



روی دستش ریختند. او امید داشت فلسطین را به پایتختی قدس شرقی تشکیل دهد که آن هم منتفی شد. عرض من این است که چارونرد صلح د چهار بن بست شد چراکه آنچه دولت چپ به فلسطینی ها پیشنهاد داد حداقل آن چیزی بود که باید به فلسطین ارائه شود. ابومازن که منتقد آقای عرفات و ابرار فشار علیه او بود و به عنوان صلح طلب ترین شخص فلسطینی معاصر از ۲۰۰۴ تاکنون نتوانسته فرمول دولت های مختلف رژیم صهیونیستی را بپذیرد؛ چراکه هیچ نیست. همین اقتضای راه جلی ابومازن گذاشته اند و بن بست کامل در دو دهه رسیدند. شما سخنرانی آقای ناتانیاهاور در مجمع عمومی بخوانید که می گوید مسأله فلسطین حل شده و ما در حال مذاکره با اعراب هستیم و کل فلسطین ۲ درصد اعراب است و مهم نیستند. این زلزله ۱۷ اکتبر بود که بار دیگر مسأله فلسطین را مطرح کرد و آمریکا و اروپا بعد از دو دهه یادشان افتاده که صلحی هم وجود دارد و باید کنفرانس صلح برگزار شود. مسأله دودولتی با موانعی روی زمین مواجه است؛ نخست نگاه رژیم صهیونیستی به دولت فلسطینی این است که اگر دولت فلسطین با بازگشت آواره ها حل شود، این به معنی نابودی رژیم است؛ یعنی فلسطین در حال مهندسی معکوس است. برخی در ایران فکر می کنند مخالفت با تقسیم موضع بعد از انقلاب است؛ منصورالسلطنه عدل نماینده ایران در کمیسیون تقسیم فلسطین در سال ۱۹۴۷م سخنرانی داشت و گفت این تقسیم منجر به این نخواهد شد که اجاق دولت یهود حل شود و این به معنی آتش افروزی و درگیری مداوم است و دیپلمات ایرانی این را در سال ۱۹۴۷ میلادی گفت که تقسیم منجر به حل نمی شود اما قطعنامه تقسیم با فشار آمریکا به تصویب رسید.

نظر شخصی من این است که تقسیم معنایی ندارد و راه حل همان دولت واحد دموکراتیک است. همه فلسطینی ها و یهودیانی که تاریخی بوده اند تکلیفشان مشخص است. آن هایی که تا قبل از ۴۷م بودند نیز تکلیفشان مشخص است و همچنین باید تکلیف یهودیانی که در دهه های گذشته مدام وارد شده اند و تا به امروز ادامه دارد، روشن شود زیرا این یک اختلاف اساسی در پی دارد. اما اگر سوال این است که آیا این راه حل عملیاتی است باید بگویم دولت صهیونیست با تفکر حاکم بر خود که آمریکا هم فشار نیاروده به همین نحو پیش رفته است. مسئله فلسطین تنها موضوعی است که از قرن قبل برای قرن فعلی باقی مانده است و این به دلیل پیچیدگی ها و ایده صهیونیسم است. برای دهه ها صهیونیسم موجودیت فلسطین را نفی می کرد. یک ایده ای آمده

بود بین یک ایده مذهبی بازگشت به سرزمین موعود که بر اساس ادبیات مذهبی معتقد به ظهور حضرت مسیح و منجی نجات بخش هستند و راز درگیری تاریخی یهودیان و مسیحیان آن است که می گویند مسئول کشته شدن حضرت مسیح یهودیان هستند و یهودیان معتقد بودند که مسیح جعلی بوده است.

یک ایده ای در اروپا با جمعی از روشن فکران صهیونیست شکل گرفته که آمدند جنبش صهیونیست سیاسی را از ۲۰۰۴ ایده خلق کردند. یک ایده مذهبی سمی که بازگشت به سرزمین موعود بعد از حضرت مسیح که گفتند، چرا منتظر ظهوری باشیم که مشخص نیست و خودمون اقدام کنیم تا مقدمه دولت را فراهم کنیم. جزء دوم ایده آن ها این بود که این را با مفهوم ناسیونالیسم غربی ترکیب کردند تا یک ملت یهود درست کنند. می خواستند یهودیان سراسر دنیا را در اینجا جمع کنند. به همین دلیل هم این موضوع اینقدر طول کشید. آن ها می گفتند فلسطینی وجود ندارد و در نهایت در کنفرانس مادرید این موجودیت را پذیرفتند. این را بگویم که صلح اسلو پس از انتفاضه ۱۹۸۷ شکل گرفت و پیش از انتفاضه اساساً سازمان آزادی بخش فلسطین با عنوان گروه تروریستی مطرح می شد و آن توافق هم سرانی بیش نبود. اگر براساس گفته آقای زیدآبادی بار دیگر موضوع دودولتی مطرح شود، اتفاق مبارکی است. که بعد از سال ها ملت را یاد این انداخته که مسئله فلسطین وجود دارد که باید حل شود.

● زیدآبادی: انتفاضه اول منجر به توافق اسلو شد و من معتقدم تنها راه مبارزه با اسرائیل مبارزه مدنی است و اگر انتفاضه دوم را ببینید به سمت عملیات انتحاری رفت و در نهایت موضع همراه با توافق اسلو تضعیف شد و دستاوردها را پس گرفتند. اگر شما در برابر خود دفاع می کند و جهان هم از او دفاع می کند.

● جابری انصاری: شما تا جایی توصیف واقعیت می کنید و بخشی از صحبت های شما ذهنی است؛ اینکه می گویند همه دستاوردهای اسلو را پس گرفتند، خیر، دستاوردها را پس نگرفتند و شارون تنها کارش دستگیری و کشتار کادرهای مقاومت بود. ضعف توافق اسلو این است که مقاومت فلسطینی نقد داد و نسبه گرفت چراکه به تونس پرت شده بود و فکرمی کرد حذف شده است بنابراین برای بازگشت به صحنه پذیرفت تنها ۲۲ درصد را که مورد ادعا است، مورد مذاکره قرار دهد. شما وقتی هر آنچه را در اختیار داری و می دهی و طرف مقابل هم زورگو است، خودت سه کنج استراتژیک ساخته ای و باید بخشی از امتیاز را بدهی و باقی امتیاز را نگه داری.

در کتاب فاروق الشرع می گویند

مرحوم عرفات خواست این متن را به آقای اسد بدهد و اسد این را دو بار خواند و گفت این متن خیلی ابهام دارد و هر بند نیاز به مذاکره توافق جدید دارد. وقتی توافق چند منظور داشته باشد و ابهام داشته باشد، طرف قدرتمند به نفع خود تفسیر می کند. شارون هم مناطق الف و ب را از تشکیلات خودگردان پس گرفت و بحث روی منطقه ج باقی ماند. اسرائیلی ها می گفتند عرفات مانع صلح است و ابومازن صلح طلب هم نتوانست این را بپذیرد. حالا بگویید چرا ابومازن طرح صلح را نپذیرفت.

● زیدآبادی: دو طرح بود که یکی یهود باراک در ۲۰۰۰ مطرح کرد و عرفات نپذیرفت چراکه با وعده او به فلسطین همخوانی نداشت و آن ها مفاد ۱۹۶۷ را می خواستند و معلوم بود نشدنی است و توقعات عرفات زیاد بود اما ابومازن پیشنهاد اولمرت را روی دستمال کاغذی پذیرفته بود. فلسطینی ها می گویند بهترین طرح صلح از سوی اولمرت است و شامل برخی مناطق قدس شرقی با مبادله زمین بر مبنای مرزهای ۱۹۶۷ بود. یکی هم جنگ ۳۳ روزه بود که باعث شد اولمرت شکست بخورد و نتواند طرح صلح را پیش ببرد. اگر می خواهیم بی طرفانه ببینیم باید بگوییم امکان دولت فلسطینی وجود دارد و باید بر مبنای مقاومت مدنی شکل بگیرد و با مقاومت مسلحانه عملیاتی نخواهد بود و می تواند همچنان به همین شکل ادامه پیدا کند و می بینید که در غزه این میزان کشتار و نابودی تاسیسات هزینه همین مقاومت مسلحانه است. در حال حاضر اسماعیل هنیه هم پیشنهاد راه حل سیاسی بر مبنای دودولتی را مطرح می کند. اگر شما بگویید نابودی که موضوع قابل حل نیست.

فشار بر رژیم صهیونیستی تنهاره حل است!

● جابری انصاری: اصلاً داستان بحث نابودی نیست که اگر نابودی باشد، همان موضع دولت اسرائیل است که فلسطین را نابود کرده است. راهی جز انواع فشار بر اسرائیل وجود ندارد و همان ملت فلسطین که ۷ اکتبر را رقم زد، فشار خواهد آورد و بار دیگر موضوع فلسطین را در آمریکا مطرح کرد. راه حل بر بستر واقعیت است و از ذهن من و شما بیرون نمی آید. مشکل اینجاست که واقعیتی در اسلو شکل گرفته که به نگاهی اسرائیل تبدیل شده است. انقلاب سنگ فلسطین اما کم ارتش اسرائیل را خرد کرد. مشکل این است که خودگردانی شکل گرفته که عملاً به بازوی اسرائیل و نگاهی بدل شده است. راه حل این است که خودگردان باید منحل شده و توده های فلسطین در مقابل اسرائیل قرار بگیرد. امروز اگر مردم کرانه باختری بخواهند انقلاب سنگ کنند، اول باید با خودگردان وارد درگیری

شوند. شعار دادن های الکی یک پول سیاه اثر ندارد؛ اینکه امید و آرمان داشته باشیم یک چیز است اما برای آرمان باید برنامه ریزی شود. معادله منطقه و بین الملل نگاهی اسرائیل شده اند. در رفح، مصر نگاهی اسرائیل شده است و در کرانه باختری و سایر مرزها، اردن نگاهی امنیت اسرائیل شده است.

● زیدآبادی: آیا ایران با ایده صلح همراهی می کند؟

● جابری انصاری: من مسئولیت و سخنگویی ندارم اما قرائت من این است که ایران سال هاست اعلام کرده از انتخاب ملت فلسطین حمایت خواهد کرد. با این حال انسجامی وجود ندارد و می بینید که سال هاست انتخابات در ساعات منتهی به برگزاری آن در اراضی اشغالی لغو می شود چراکه برداشت خودگردان این است که اگر انتخابات برگزار شود، نیروهای مقاومت اکثریت را به دست خواهند گرفت. واقعیت منطقه ای کشورهای عربی با انتخابات، جن و بسم الله است. هر آنچه سرنوشت بهار عربی بود و آن را به خزان بدل کرد، امروز در فلسطین هم رخ داده است. مسئله اصلاً ایده نابودی نیست. در دوران رهبری آیت الله خامنه ای، اول آیت الله هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه ایده دولت دموکراتیک واحد را مطرح کردند و بعد آقای خاتمی به عنوان رئیس جمهور این ایده را تکرار کردند و رهبری هم شاید برای ۴ بار این مسئله را مطرح کرده اند و شما از ادبیات سال ۵۷ استفاده می کنید. مشکل این است که ایده صهیونیسم گفته من ایده دولت یهود را پیش می برم. ایران خلی در برابر تصمیم ملت فلسطین ایحاد نخواهد کرد. آخرین انتخاب فلسطین با پیروزی مقاومت حماس به پایان رسیده است اما چرا امروز می گوئیم این ها منتخب مردم فلسطین نیستند؟! آقای زیدآبادی، شما برداشت ذهنی از موقعیت داخلی دارید و آن را به فضای خارجی بسط می دهید.

● احمد زیدآبادی: یک بار می گویی من تابع رای مردم هستم و یک روز می گویی من تابع ایدئولوژی هستم.

● جابری انصاری: شما حرف در

دهان حماس می گذارید. کی حماس چنین حرفی زده است؟ من در انتخابات به آقای خاتمی رای دادم و معتقد به تحولات در داخل هستم اما بیماری درگیری با حکومت خودم ندارم که اگر جایی موضوعی در حوزه خارجی بود، دعوای خودم را دخالت بدهم و تحلیل کنم.

● زیدآبادی: من اگر از جمهوری اسلامی کینه داشتم سال گذشته بیانم متفاوت بود و آنجا که فضا برقرار بود کینه تیزی می کردم اما نکردم.

● جابری انصاری: همین موضوع بود که به شما عزت داد. با بررسی و خوانش این مناظره به این نتیجه می رسیدم که نکات مشترک زیادی داریم. تقریباً همه ما می دانیم رژیم صهیونیستی دشمن است و غاصب است و حقی در فلسطین ندارد. فلسطینی ها به دنبال حل و توقف خونریزی هستند و می خواهند مثل مردم جهان در صلح زندگی کنند. الان واقعیت این است که نخبگان ما باید اطلاعات درست داشته باشند. حقیقت این است که موضوع تقسیم فلسطین تحت قیمومیت انگلیس پیشنهاد شد و بریتانیا نقش مهمی در تغییر جمعیت فلسطین ایفا کرد و طرح مهاجرت یهودیان پیش از قیمومیت آغاز شد و در سال ۱۹۴۸ میلادی و زمان ترک انگلیس، ۳۳ درصد فلسطین بود و این به کمک انگلیس بود.

در قوانین بین الملل می بینیم که از فلسطین با عنوان فلسطین اشغالی یاد می شود و همین قانون بین الملل حق مقاومت را به رسمیت می شناسد. بر اساس بررسی های صورت گرفته حماس معتقد است مقاومت باید چندگانه باشد و شامل مقاومت مردمی، اجتماعی، دیپلماتیک و مسلحانه باشد که موفق ترین مقاومت در برابر این رژیم، همان مقاومت مسلحانه است.

بر اساس نظر کارشناسان و فعالان فلسطینی، معتقدند که هیچ گروهی در دولت غاصب صهیونیستی حاضر به پذیرش دودولتی نیست. در آمریکا که بحث دودولتی را می گویند حتی دفتر ساف در سازمان ملل رادامی نمی کند و هر ۶ ماه این دفتر را تمدید می کند.



زیدآبادی: انتفاضه اول منجر به توافق اسلو شد و من معتقدم تنهاره مبارزه با اسرائیل، مبارزه مدنی است



جابری انصاری: تقریباً همه ما می دانیم رژیم صهیونیستی دشمن است و غاصب است و حقی در فلسطین ندارد. فلسطینی ها به دنبال حل و توقف خونریزی هستند و می خواهند مثل مردم جهان در صلح زندگی کنند. الان واقعیت این است که نخبگان ما باید اطلاعات درست داشته باشند